

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ احْتَجَبَ بِشِعَاعِ نُورِهِ عَنِ نَوَاطِرِ خَلْقِهِ يَا مَنْ تَسَرَّبَلَ بِالْجَلَالِ وَالْعَظَمَةِ وَاسْتَهَرَّ بِالتَّجَبُّرِ فِي قُدْسِهِ يَا مَنْ تَعَالَى بِالْجَلَالِ وَالْكِبَرِيَاءِ فِي تَقَرُّدِ جَدِّهِ يَا مَنْ انْقَادَتِ الْأُمُورُ بِأَرْمَتِهَا طَوْعاً لِأَمْرِهِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ بِمُجِيبَاتِ لِدَعْوَتِهِ يَا مَنْ زَيَّنَ السَّمَاءَ بِالنُّجُومِ الطَّالِعَةِ وَجَعَلَهَا هَادِيَةً لِحَلْقِهِ يَا مَنْ أَنْارَ الْقَمَرِ الْمُبِيرِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ أَنْارَ الشَّمْسِ الْمُبِيرَةِ وَجَعَلَهَا مَعَاشاً لِحَلْقِهِ وَجَعَلَهَا مُفَرِّقَةً بَيْنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِعَظَمَتِهِ يَا مَنْ اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ بِنَشْرِ سَحَابٍ نَعِمِهِ أَسْأَلُكَ بِمَعَادِ الْعَرْشِ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَّتَ بِهِ نَفْسُكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ أَتْبَعْتَهُ فِي قُلُوبِ الصَّافِينَ الْخَافِينَ حَوْلَ عَرْشِكَ فَتَرَا جَعَتِ الْقُلُوبُ إِلَى الصُّدُورِ عَنِ الْبَيَانِ بِإِخْلَاصِ الْوَحْدَانِيَّةِ وَتَحْقِيقِ الْفَرْدَانِيَّةِ مُقَرَّةً لَكَ بِالْمَعْبُودِيَّةِ وَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَاسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَجَلَّيْتَ بِهَا لِلْكَلِيمِ عَلَى الْجَبَلِ الْعَظِيمِ فَلَمَّا بَدَأَ شِعَاعُ نُورِ الْحُجُبِ مِنْ بَهَاءِ الْعَظَمَةِ خَرَّتِ الْجِبَالُ مُتَدَكِّدَةً لِعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَهَيْبَتِكَ - وَخَوْفاً مِنْ سَطَوَاتِكَ رَاهِبَةً مِنْكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَاسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي فَتَقْتُ بِهِ رَتَقَ عَظِيمِ جُفُونِ غُيُوبِ النَّاطِرِينَ الَّذِي بِهِ تَذِيرُ حِكْمَتِكَ وَشَوَاهِدُ حُجَجِ أَنْبِيَائِكَ يَعْرِفُونَكَ بِفُطْنِ الْقُلُوبِ وَأَنْتَ فِي غَوَامِضِ مُسَرَّاتِ سِرِّرَاتِ الْغُيُوبِ أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ ذَلِكَ الْإِسْمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُصَرِّفَ عَنِّي وَعَنْ أَهْلِ خِرَاتِنِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَمِيعِ الْأَقَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْأَعْرَاضِ وَالْأَمْرَاضِ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ وَالشُّكِّ وَالشِّرْكِ وَالْكُفْرِ وَالشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَالضَّلَالَةِ وَالْجُهْلِ وَالْمَقْتِ وَالْعُصْبِ وَالْعُسْرِ وَالضَّبَقِ وَفَسَادِ الضَّمِيرِ وَخُلُولِ التَّقَمَّةِ وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ - إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

ترجمه:

خداوند! به درستی که سؤال می‌کنم ترا ای کسی که پنهان شده است به سبب پرتو نور خود از نظرهای مخلوقاتش، ای کسی که پوشیده است پیراهن جلالت و بزرگی را و مشهور شده به صاحبیت جبروت در مرتبه بودن (از نقصها و عیبهای) خود، ای کسی که بلند مرتبه است به سبب جلالت و بزرگواری در تنهائی شرف خود، ای کسی که اطاعت نموده‌اند از چیزها به تمامی اطاعت کردن مر فرمان او را، ای کسی که به پای ایستاده‌اند آسمانها و زمینها در حالی که جواب دهنده‌اند مر خواندن او را، ای کسی که زینت بخشیده است آسمان را به ستاره‌های طلوع‌کننده و گردانیده است آنها را راهنمائی از برای مخلوقات خود، ای کسی که روشن کرده است ماه روشن را در سیاهی شب تاریک به لطف خود، ای کسی که نورانی گردانیده است آفتاب روشن را و گردانیده است آن را سبب زندگانی (یا زمان تحصیل معاش) برای خلق خود و گردانیده است آن را جداکننده میان شب و روز به بزرگی خود، ای کسی که سزاوار است شکر را به سبب پهن نمودن (یا برانگیختن آنها) ابرهای نعمت‌های خود، سؤال می‌کنم ترا به مواضع انعقاد عزت از عرش تو و به منت‌های شفقت از کتاب تو و به هر نامی که آن از برای تو است که نامیده‌ای به آن نفس خود را یا اختیار کرده‌ای تو آن را در علم پنهان نزد خود و به هر نامی که آن از برای توست که نازل نموده‌ای تو آن را در کتاب خود یا ثابت نموده‌ای تو آن را در دلهای صف کشندگان و طواف‌کنندگان دور عرش تو، پس برگشته‌اند دلهای سینه‌ها از

تفحص نمودن به خالص نمودن یگانگی ترا و تحقیق نمودن بی‌همتائی ترا در حالی که اقرار دارند از برای تو به بندگی و به آن که تو خدائی، تو خدائی، تو خدائی، نیست خدائی مگر تو و سؤال می‌کنم ترا به نامهائی که ظاهر نموده‌ای تو آنها را از برای موسی بر کوه بزرگ پس چون ظاهر شد شعاع روشنی حجاب‌های تو از روشنی بزرگی تو از هم پاشیدند کوه‌ها در حالی که گردیدند هموار از جهت بزرگی تو و جلالت تو و دور باشی تو و از جهت ترس از قهر تو در حالی که ترسانند از تو، پس نیست خدائی مگر تو پس نیست خدائی سوای تو پس نیست خدائی مگر تو، و سؤال می‌کنم ترا به نامی که گشوده‌ای به برکت آن به هم چسبیدن شدید پلک‌های چشم‌های نگاه‌کنندگان را آن چنان نامی که به اوست تدبیر دانش تو و شاهدهای دلیلهای پیغمبران تو، می‌شناسند ایشان ترا به زیرکی دل‌های خود و حال آن که تو در پوشیده‌های پنهان‌های نمانی‌های مخفی‌هائی.

سؤال می‌کنم ترا به عزّت آن نام که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که بازدارى از من [و خویشان من و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه] همه آفتها و بلاها را و عارضه‌ها و بیماریها را و خطاها و گناهان را و شك نمودن و شرك‌ورزیدن و كفر و عداوت را و نفاق و گمراهی را و نادانی و بغض را و غضب و پریشانی را و تنگدستی و بدی اعتقاد را و وارد شدن عقوبت را و سرزنش دشمنان و مسلط شدن مردان را بدرستی که تو شنوای دعائی، مهربانی مر آنچه را که خواهی [و نیست حرکتی و نه توانائی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ].